

کودکان عقب افتاده



و مراقبتهای ویژه تربیتی!



شما شرایط پرورش استعدادها را فراهم کنید آنگاه
ببینید آیا بی استعداد پیدا می شود ؟

بدون تردید ، راه دوم هم بسود خود کودکان است و هم بسود اجتماع . بسود خودایشان است ، زیرا به جای اینکه موجودی انگل و طفیلی بار آیندو چشم بدست دیگران بدوزند و همچون گدایان حریص ، اذمال و منال دیگران ارتزاق کنند و خودشانه از زیر بار مسؤلیت ها بیرون کشند ، می توانند با نهایت شرافتمندی و آزادی و آزادگی زندگی کنند و بقول جامی درداستان پیرخارکن - که خطاب به جوانی نورسیده میکند -

برای کمک به کودکانی که نقص جسمی یا روحی دارند دوره وجود دارد : یکی راه ترحم و ارفاق و تامین نیازمندیهای ایشان بدون اینکه انتظاری از آنان داشته باشیم .
راه دیگر این است که آنها را نیز وادار کنیم که درحد استعداد و توانائی ، دست بکارها و فعالیت هایی بزنند و درازاء کوشش ها و زحمات خود همچون دیگران دستمزدی و حقوقی دریافت دارند و با مناعت طبع و استقلال ، زندگی شرافتمندانه ای برای خود تشکیل دهند .

چنین گویند :

شکر گویم که مرا خواند ساخت

به خصمی چون تو گرفتار ساخت

به ره حرص شتابنده نکرد

بر درشاه و گدا بنده نکرد

داد با این همه افتاد گیم

عز آزادی و آزاد گیم ا

اما اینکه به سود اجتماع است ، بخاطر این است که عواطف و نوع دوستی مردم ، نه تنها صرف گدا پروری و انگل سازی نمیشود ، بلکه علاوه بر اینکه از نیروهای افراد در حد استعداد و توانائی استفاده شده است ، اجتماع نیز می تواند عواطف انساندوستانه خود را در راه هایی صحیح تر و ارزنده تر به جریان اندازد و بدون اینکه عزت نفسی را خرد کرده باشد و انسانی را به بازار گدائی رهنمون شده باشد ، به ترمیم کمبودهای مردم درمانده ، از راه های پرثمرتر ، مثل تأسیس بیمارستانها و مدرسه ها و کارگاهها و بانکهای قرض الحسنه و . . . اقدام نماید .

اشتباه نشود ، نمیخواهیم بگوئیم به آنهایی که الان گرفتارند و امانده ، نباید کمک کرد و نمیخواهیم بقول افلاطون در طرح مدینه فاضله ، صحنه بگذاریم و بگوئیم : ناقص الخلقه هارا باید سرب نیست و نابود کرد . هرگز وجدان يك انسان سلیم النفس ، راضی نمیشود که هموعی را بجرم نقص خلقت ، نابود سازد . یا خود سیر و متمتع باشد و راضی شود که در

کنارش هموعی از گرسنگی و سرمای طاقت فرسای زمستان ؛ جان ، به جان آفرین بسپارد .

در این مورد ، بهترین راه ، الهام از مکتب پیشوایان اسلام است که بذل و بخشش ها را شخصاً در دل سیاه شب انجام میدادند و این آشناهای مهربان و ناشناخته ، چنان در خانه فقیر را می کوبیدند که همسایه دیوار بدیوار آنها هم چیزی نمی فهمید و حتی خود فقیر هم جز اینکه از نوع دوستی و بذل مساعی يك انسان کامل برخوردار میگردد ، دیگر اطلاع بیشتری نمیتوانست کسب کند . آیا برای حفظ شخصیت و شرافت يك انسان و امانده ، بهتر از این کار چیست ؟

گفتگو بر سر این است که حالا که باید کمک کرد ، چگونه باید کمک کرد که بهتر و پرثمرتر باشد ؟ مخصوصاً که آئین ما اسلام هم توصیه می کند که خود را در غم و شادی دیگران شریک بدانیم و در راه شاد کردن دلها و آسوده کردن هموعان گامی برداریم و الاصل مسلمانی مواجهه با خطر خواهد شد این سخن یادگاری گرانها از رهبر عالیقدر اسلام است که فرمود : **«ما آمن من بات و جاره جائع» (۱)** هر کس شب آرام بخوابد و همسایه اش گرسنه باشد ، ایمان به خدا ندارد .

بدیهی است که بهترین کمک همین است که برای افراد عقب افتاده نیز شرائط و محیطی فراهم کنیم که بتوانند همچون سایرین به نیروی کار و توان و استعداد خود متکی باشند و با استفاده از حاصل دسترنج خود لذت ببرند .

احیاناً در میان ایشان روشن‌دلان و نوابغ برجسته‌ای هم پیدا شده و می‌شود، امکانات کامل فراهم گردیده است. آنها می‌توانند در مدرسه‌های مخصوص بوسیله خطوط برجسته، خواندن و نوشتن را بیاموزند و در دنیای وسیع تر گام نهند.

چه کسی می‌تواند موقعیت فکری و علمی و فلسفی و نبوغ و استعداد سرشار ابوالعلاء معری را انکار کند؟ او است که در اشعار بلندش سرخی افق را بوقت طلوع و غروب خورشید، یادگاری از خون پاک علی (ع) و حسین (ع) میدانند که بر پیراهن روزگار نقش بسته است تا در روز ستاخیز، در پیشگاه خداوند دادگر، شکوه‌گر ییادگریها و ستمکاریهای خون آشامان نا بکار باشد. (۴) و هموست که بطور طنز آمیزی از انسانهای دوچشمی انتقاد می‌کند که شاهمان‌ها هستند که قریشان حسین (ع) را کشت یزیدتان بر اریکه حکم نشست! (« الامام علی » ج ۱۱۹۴/۵)

علمای روانشناسی و آموزش و پرورش، در زمینه کودکان پایین تر از حد متوسط، از قبیل کودن‌ها تحقیقات وسیعی کرده و کوشیده‌اند؛ راه‌هایی پیشنهاد کنند که این طبقه نیز - که در اقلیت هستند - بتوانند تحت تعلیم و تربیت صحیح و مؤثری قرار گیرند و کمترین استعدادی که در وجود ایشان بود بهت سپرده شده است، به‌دین‌رود ورا کد نماند.

مگر نه رهبر بزرگ و عالی‌قدر اسلام فرمود: «ما اکل احد کم طعاماً قط خیر امن عمل یده» (۲) هیچ خوراک و طعامی مطبوع‌تر از آن نیست که انسان آنرا با دسترنج خود به دست آورده باشد.

و انگهی اگر ما دوست‌مداریم که همواره متکی باشیم و نیازمند دیگران نباشیم و از سر بار بودن و فقر و احتیاج بیزاریم، موظفیم برای همهٔ هم‌نوعان خویش نیز چنین باشیم. علی (ع) فرمود: «احبب لغيرك ما تحب لنفسك واکره لهما مکره لهما» (۳) آنچه را که برای خود می‌پسندی برای دیگران هم پسند و آنچه را که برای خود نمی‌پسندی برای دیگران هم پسند.

خوشبختانه دنیای امروز، با توجه به امکاناتی که بدست آورده است، بخوبی می‌تواند بکمک و همدردی ناقص‌الخلقه‌ها و عقب‌افتاده‌ها بشتابد و بنحوی که گفتیم سعادت و سربلندی ایشان را فراهم آورد.

امروز حتی دنیای محدود و بستهٔ کرولها هم فتح شده، در مدرسه‌هایی مخصوص زیر نظر معلمانی که برای تعلیم و تربیت ایشان تخصص یافته‌اند، بکسب علم و سواد می‌زند و بازبان گویای قلم می‌تواند به اندیشه‌های دیگران پی‌برند و اندیشه‌های خود را بدیگران تفهیم کنند. برای ناینیان که

(۲) الامام علی صوت العداة الانسانية ج ۵ ص ۱۱۹۴ و ص ۱۲۱۸

۳ - مدرک فوق

۴ - الامام علی (ع) صوت العداة الانسانية ج ۱ ص ۱۰۹

سرانجام آنها را از مدرسه اخراج کرده اند. (توماس - آلوا ادیسون) ، مردی که امتیاز ۲۵۰۰ اختراع ثبت شده را بدست آورد ، بعنوان يك پسر غیر طبیعی از مدرسه اخراج شد . و حال آنکه دنیای متمدن برای همیشه مدیون خدمات عظیم علمی و صنعتی اوست . (۵)

شما شرایط مناسب برای پرورش استعدادها فراهم کنید ، آنگاه ببیند آیا بی استعدادی وجود دارد یا ندارد ؟ روزی که هنوز دنیای ما در جاهلیت سیاه ، گرفتار بود و اسلام ظهور نکرده بود ، کسانی بودند که در لباس بردگی ، در نظر جامعه ، کمترین اثری نداشتند. همان بلال - بشی سیاه چرده ، که در رژیم کهن جاهلیت ، هیچ ارزش و احترامی نداشت و سنگ بر سینه اش می نهادند و با میله داغ و گداخته تنش را رنج میدادند ، در رژیم انقلابی اسلام ، مظهر عالیترین و برارزش ترین احترامات و تجلیات می شود و بهترین استعداد را از خود نشان میدهد .

با فراهم شدن ، همه شرایط پرورش استعدادها در تمام زمینه ها بسیار بعید است که تعداد زیادی کودکان و بی استعداد باقی بماند . در این موقع است که برای جامعه از این قبیل افراد ، تعداد بسیار کمی باقی می ماند که با مراقبتهای خاص تربیتی ، باید آنها را نیز تا سرحد امکان در راه رشد و تکامل یاری کرد .

در جواب آنها می گویند حیف است که سرمایه مردم ، صرف اینگونه اشخاص شود و با بودن افراد لایق و مستعد ، نیروها و بودجه ها را صرف کودکان کنیم ، می گویند : نباید فراموش کرد که طبق اصل دموکراسی همه باید از حقوق مساوی برخوردار باشند و برای همگان امکان پیشرفت : فراهم باشد .

البته درباره آنها می که نامشان را عقب افتاده و کودن میگذاریم ، تحقیقات بیشتر و وسیعتری لازم است . زیرا از کجا که همانها که کودکان می نامیم کودنی آنها در زمینه رشته ها و فنون موجود و متداول باشد و در فنون ورشته های غیر متداول - که هنوز بشر با آنها توجهی نشان نداده است - کاملا مستعد و قابل ترقی نباشند ؟ ازیرا بسا توجه به اینکه همه انسانها از لحاظ استعداد یکسان و یکنواخت نیستند و اختلافات کمی و کیفی ایشان بسیار است ، بعید نیست که اینها برای اموری خلق شده باشند که امکانات ما برای بکار انداختن استعدادات آنها ناقص و نارسا باشد . بخصوص که می بینیم حتی نواخ بزرگ ، گاه اتفاق افتاده است که در کلاسهای ابتدائی از همسن و سالهای خود عقب افتاده تر بوده اند و چنان در نظر اولیای مدرسه بی استعداد و غیر قابل پیشرفت شناخته شده اند که